

# بازنگری در شخصیت حکیم عمر خیام

## نویسنده: محمد رضا شعبانی



خبر سراسر / آرش سبزی

### دو پاسخ

#### یک توضیح بر نوشتار «گنبد جلیله»

مقاله دکتر زمان در آگهی شماره ۱۶ مورخ ۲۱ آبان ۸۱ در مورد گنبد جلیله در کرمان از روزنامه جام جم مطلبی چاپ شده بود که اینجاب پس از خواندن این مطلب آن را بدین صورت کامل می نویسم:

گنبد جلیله بنای سنگی در طرف شرق کرمان که در برابر درگونی ها، حوادث و فراز و نشیب های روزگار همچنان کوهی استوار مقاوم و با صلابت و بهر ایستاده به طور گذرا مطالبی عنوان می شود به شهادت تاریخ این بنای با عظمت در دوران حیات خویش شاهد و ناظر حضور ملوک باستان از جمله سلاطین مسلمانه های کتیانیان و پیشدادیان که به منظور تشریح و تفریح به دامنه شوکتان می آمده اند بوده است همچنین این گنبد حضور حکام ساسانی را در کرمان به یاد دارد که از سال ۲۲۴ میلادی تا سال سی و یک هجری قمری در ایران حکومت کردند و به روایت تاریخ بنای خود را مهران همت ابو علی محمد ابن الیاس می داند که ۲۷ سال در کرمان حکومت کرده و این گنبد را تعمیر نموده و در دیگر ادوار ناظر حضور پادشاهانی چون ملک توران شاه سلجوقی و برکان خاتون فراختالی تهران نیز حاکم مقتدر کرمان در قرن هفتم هجری قمری و دهها وزیر عامت و شاعر از جمله شیخ برهان الدین و شیخ سراج الدین علی قدسی و قاسم عارف الله علی که برای زیارت به مزار شریف می رفته اند بوده است.

همچنین دکتر محمد ابراهیم باستانی بازری نویسنده توانا در چاپ دوم تاریخ مکرمان جلد اول در باره این گنبد چنین می نویسد: «یک جلیله بنایی تاریخی است که بکرمان گنبدی منفرد در دامنه شوکتان ساخته شده و به احتمال قوی بنای این بنیاد پیش از اسلام بوده این گنبد شریف تماماً از سنگ است و عرض بی در پایه به ۳ متر می رسد در هشت متر ارتفاع و در عرض دو متر قرار گرفته که اخیراً برای استحکم ساختن بنا و جلوگیری از تخریب آن در گاه ها را با گرسه مسدود ساخته و فقط یک در را باز گذاشته اند این چنین دکتر باستانی بازری در این مورد نوشته مطلب دیگر که در خلاف تصور این گنبد هم مربوط به عهد سلجوقی نبوده بلکه مربوط به عصر پیش از اسلام بوده و حتی محمد بن الیاس آن را تعمیر نموده و طبعاً چند پیش از این سلسله این امر انجام یافته و قدمت این گنبد را از این کلمه که آن را گنبد نیز گفته اند می توان حدس زد که شاید مربوط به پیش از اسلام و از بنا های زرتشتی باشد دانست که پس از استیلان آن را استیلا لشکرده تعلق بخداد.»

بنا بریک افسانه مشهور است که در مصالح ساختمانی این گنبد به جای گل و گل خاک مخصوص با شیر شکر مخلوط کرده و به مصرف رسانده اند و خاکی که با شیر مخلوط کرده اند به رنگ خاستری مایل به رنگ شیری ثابت است و از نظر استحکام با این که گنبد در مجاورت رودخانه واقع شده و در گذشته شله های میپد از دور و بر آن جاری شده و یا زلزله و بادیه در کرمان به وقوع پیوسته است به آن آسیبی نرسیده است ضمناً از نظر سبک ساختمانی بیاد آن راحتما برای آبرگاه خویش ساخته اند و ضمن آبرورش در شوش و اهر مصر آن را بحدت برای آبرگاه خویش ساخته اند و ضمن داشتن صورت قبیله محل پرستش نیز بوده است.

می گویند در آن بت هایی نیز بوده و نیز قبری در همین محل وجود داشته که زرتشتیان و کوهی از مسلمانان تا حدود سال ۱۳۰۰ ش از نظر احترامی که برای صاحب قبر قایل بود در بی روی آن شمع روشن می کرده اند همه این آثار را سلیقه که در سال ۱۳۱۲ در کرمان جاری شد محلاتی از کرمان و همچنین قسمتی از گنبد جلیله را خراب کرد و به کلی نابود ساخت.

جبال سنگ در کرمان بنای عجیب و بزرگی است چنانچه از اسم آن بر می آید اغلب به جای اجر از سنگ ساخته شده و برای گنبد ظلمی که روی عمارت کثیر الاصلاح هشت ضلعی ساخته شده در این دوره بی نظیر می باشد گنبد آن دو پوشه بوده با اینکه سازنده قصد داشته آن را دو پوشه کند که این بنا به اتمام نرسیده البته در مورد گنبد جلیله نظرات بسیاری است که این خلاصه ای از آن را برای اطلاع بیشتر جماعت ذکر کردم.

این اطلاعات به نقل از کتاب از قلعه دختر تا دیقابون نوشته و مؤلف آن آقای محمد دانشور می باشد که توسط اینجاب به طور خلاصه نقل می گردد.

#### یک توضیح بر نوشتار «ایرمان گاهواره فرهنگ و ادب جهان»

اجتار امایه عرض می رساند که:

اینجاب در شماره اخیر دو هفته نامه امرداد مقاله ای در گنبد العظیم رضایی با عنوان ایران زمین گاهواره فرهنگ و ادب جهان خواندم که متأسفانه عبارتی مطالبی بود که با توجه به تحقیق و پرسش هایی که از این استادان نمودم اشتباه و غلط به نظر می رسد. در صورت لزوم می دانم که این مطالب را ذکر نموده و در کتب بیابرج:

۱. در قسمتی از این مقاله آمده است که: «شورزشت گنبد را برپا آورد»
۲. در قسمتی ابتدایی این مقاله آمده: «خشنه تیره اهوری مزدا (بنام خوندان بخشنده مهران) که تا جایی که من به یاد دارم و پرسیده ام این جمله به این معنی است: خشنود گرانم - اهورامزدا را است که من به حق به اشتباه در این مقاله آمده است تقاضا دارم به طور صورت که بایسته و شایسته است. این نکات را با تحقیق و تمکیم با ایشان که ذکر هستند گوشزد کرده. و در صورت امکان در شماره بعدی به شرح این امرادان اشتباهات با دقت می بایسد.
۳. در آخر استعما می کنم که مطالب و مقالاتی که به این دو هفته نامه داده می شود (حال نویسنده دربار باشد و هر فردی مصالحتی دیگر) با کامل دقت مطالعه کرده و اگر اشتباهی مشاهده می گردد یا با اطلاع ابراهیم و فرستنده اصلاح گردد و یا به طور کلی چاپ نگردد. چون ارقام کتابخانه را ایجاد خواهد کرد که مترادف اینجاب را بر مرصده خوانده و امید به این که ترتیب آن داده شود.

#### شاهپرام پارکی

بیدرقت و با آفرین گفت.

۱۰. ولتر - فرانسوا مارا یوئه نامبردار به ولتر ۱۷۸۰ (۱۶۹۲ م) / فیلسوف و فرانسویست و نویسنده فرانسویست در سده هجدهم است. وی کتاب هایی فراوان نوشته که یکی از آن ها به نام «پرسی دربار آداب و روحیات ملل» می باشد. ولتر در این کتاب درباره کارنامه ایرانیان باستان سخنانی بسیار سوسند نوشته و نوشتار را به بزرگی و این گنبد سوسند و از سه ریسه استانی وی: کتیلهایی بر آرزش درباره ایران و ایرانستان نوشته از ۱۷۶۶ سال پیش از مسیح نوشته و یاد آور آن را در «پرسی اخلاقی» انسانیت نامیده است. در این کتاب، دیدارهای زرتشت را در ۶۰۰ سال پیش از کورش بزرگ یاد کرده است.

۱۱. اسپن سر این دانشمند بزرگ است از پژوهشگران ایرانی روزگار پارسیمان هند وستان که در رویه ۲۲۳ تا ۲۲۴ سال در دوره رومی آریایی (صاحب در تاریخ همگانی) است که در آن زرتشت را سخن به میان آورده و چند جای آن کتاب تاریخ پیشین زرتشت را ۶۰۰ سال پیش از میلاد مسیح نوشته و یاد آور شده که نام برده در روزگار گشتاسب کیانی پیامبری خود را آشکار کرده تا آین و را

تحقیقات تازه دارد، نوعی ترازو اختراع می کند، در الهیات و ریاضیات تامل و تفکر می کند، و به هر حیطه علمیات و فنون خویش، تقوی باز دارد. کتابهای طب و حکمت چون قانون و شفا را با دقت و تحقیق می خواند، کتب ریاضی مانند مصادرات اقلیدس را با قریحه خاص در این زمینه نمی خواهیم بیش از این وارد قضیه شویم و بحث کنیم.

که در این مقاله می خواهیم عنوان کنیم، شخصیت ادبی و شاعرانه خیام است. که به نظر می رسد بعضی از نویسندگان و محققان قضاوت درستی در باره وی نداشته اند و متأسفانه بر اساس رباعیات معمولی که منسوب به خیام است در مورد او قضاوت می کنند.

مساله قابل اهمیت این است که آیا قضاوت هایی که در باره خیام وارد دانشمندان دقیقاً با شخصیت و قریحه واقعی او مطابقت دارد یا نه؟ معمولاً کار این گونه افراد بر مبنای - آشعار منقول از شاعر است. اگر چه در مورد بعضی از شاعران از نویسندگان و محققان قضاوت درستی در باره خیام بوده است که در رباعیات آنان به نام خیام ثبت شده است. رجوع به نسخه های گو ناگون رباعیات خیام این سادگی و نوجبه من نظر می رسد ولی درباره خیام کار به این سادگی نمی آید. می دانیم که تنها قالب شعری که خیام برگزیده است رباعی است.

مساله قابل اهمیت این است که تنها قالب شعری که معمولاً گنبدی اش نامتناخته می ماند رباعی است، گاهی یک ریسه چندین شاعر آمده است، در مورد خیام این مشکل را بیشتر از دیگران مشاهده می کنیم - حتی شاعرانی بوده اند که رباعیات آنان به نام خیام ثبت شده است. رجوع به نسخه های گو ناگون رباعیات خیام این سادگی و نوجبه این کتابی می کند. در قول دکتر باستانی بازری «سیر تکاملی یک رباعی گوئی در ادب فارسی» تقریباً این است که یک گنبدی زبیرست است را به زبان آورد بعد دهان به شاد می گردد، و همه می خوانند بعد نام گنبدی فراموش می دهد بعد یکی آن را به اسم خود می خواند، بعد دیگری آن را به شاعر مورد علاقه خود نسبت می دهد و بعد یکی دو قرن بعد تعداد گنبدگان یک رباعی خوب زیاد می شود و به قول معروف آن یک کشمش می شود و صد صوفی (۷۰).

ادامه دارد

## ارزش جهانی گاتها. گاتها و عرفان ایرانی

و داستانی از محمد بن منور: ... شیخ ما قدسی الله روحه گفت، که یکی بهشت را در خواب دید که خوردنی نهداده بود و جماعتی آن نیشنه. او خواست که با ایشان موافقت کند یکی بیامد دست او گرفت و گفت جایی نیست این خوان کسانی است که یک پیرهن دارند و تو دو پیرهن داری تو با ایشان نتوانی نشتن. این گنبدی های کوچکی بود از باورها و اندیشه ها و گفته ها نوشته شده ای صوفیانه (کمدنفتی) خلدن و برآمدن این باورها و اندیشه ها چیست همان خلدن و برآمدهای که در تاریخ می باید آمده است. چگونه شد که مغولها از سرزمینی دور تاختند و به ایران آمدند و سراسر ایران را به خاک و خون و مرگ و میرانی کشاندند یک پایه ای اثری بایست گسترش همین اندیشه ها و باورها در این ادیان. اما دور می گردد که باورهای کمد صوفیانه را بنیاد با عرفان راستین ایرانی یکی دانست، عرفان راستین ایران برخاسته از فرهنگ ایرانی است با آمیج ساختن و آباد کردن جهان زندگی انسان و آله اندیشه های زرتشتی درباره زندگی. در اینامراهه زرتشت در کنار گفته ای ژرف و زیبایی ... خواهان شامی و صوفیاتی که ... در بند یکم ۲۸ آورده شده که های دیگری از فرهنگ زرتشتی آورده شود:

«ای افریدگار جهان تنی، ای سیند (مقدسی) کیست جهانمین کسی که زمین را شادمان می کند؟ اهورامزدا پاسخ داد: ای زرتشت اسپنتمان، آن کسی است که دانه ها و سبزی ها و میوه ها و فراوان می کرد، کسی که زمین خشک را آبیاری و زمین مراد را می خشکاند.»

کسی که با دست راست و چپ خود زمین را شمش زدن زمین به او گوید: «ای کسی که مرا با دست های چپ و راست خود شخم می زنی، من با کار تو بارور می شوم و همه گونه خوراک و دانه ها برای تو می آرد.» اما به کسی که چنین کند زمین به او گوید: ای کسی که مرا با دست های چپ و راست خود شخم می زنی تو می همبسته می زانی و زمینم دیگران خواهی شد و به درویشی خواهی ایستاد و ریزه زدن دیگران را خواهی خورد.» هنگامی که جودانه های آسمان در دیوان بریشان شدند و هنگامی که برمدان جورا کشانند دیوان، لایند و زبانی که جوید، دیوان سست شدند و هنگامی که جو خورشید کرد دیوان جو گرختند. در خانه ای که دانه های فراوان باشد چنان ماند که آهن تافته در گلوئی دیوان فرو کرده باشد. به تو می گویم ای زرتشت اسپنتمان مردی که زن دارد بسیار بالاتر از مردی می همسرت است و کسی که خانه دارد برتر است از آنکه خانه ندارد و کسی که دارای فرزندان است بالاتر از کسی است که فرزندان ندارد و

پایان

کشور پهناور ایران از زمان های دور عارفان و شاعران، دانشمندان و حکیمان بسیاری به خود دیده است، که هر یک از یک در گوشه ای از این سرزمین می زیسته اند. ... (۲)

ایشان دارای چهره هایی درخشان و پرتو افکن در فرهنگ این سرزمین و حتی در جهان بوده اند. ولی عده ای از ایشان هنوز هم در این چنانکه باید شناخته نشده اند و هنوز هم در پرده ابهام مانده اند، هر چند به تازگی استانی های کوشش و تازش مداوم و خستگی ناپذیر در شناسایی بزرگان این مرز و بوم سعی کرده اند. ولی گاهی در شناسایی بعضی از شخصیتها نظاه های ابهام دیده می شود

چهره ای که می خواهیم در این مقاله به آن بپردازیم و شاید از این جمله اشخاصی باشد که به تعداد محققان در باره اش شادوری است. حکیم عمر بن ابراهیم (خیام) وفات ۵۱۷ هجری قمری (احتمالاً است). شخصیتی که در حق اوست آدا شده است.

حق استاد آدا شده است.

حق استاد فرورزافر، بررسی شده است. این رساله خیام را در سال ۵۱۶ هجری قمری نگارش یافته است. و یکی از قدیمیترین منابعی است که در آن ذکری از حکیم خیام کرده است. و شاید هم حکیم خیام در کلاس درس زمخشری زود داشته است. این گونه ذکری خیام آمده است: «ولعیدی بحکیم الدینا و فیلسوفها الشیخ الیام الخیامی ... (۳)

اشکار است که خیام در عصر خود کاملاً به عنوان یک حکیم عالی مقام مطرح بوده است. کتاب جبر و مقابله خیام، مرتبه علمی وی را در جهان، آشکار و نمایان کرده و با این اثر «موضوع جبر و مقابله» و کمال و پیشرفت رسیده است. هر چند که موضوع علمی این اثر، قبل از وی مطرح بوده، ولی با این کتاب حل مشکلات جبری، پیشرفتی عمده یافته است.

دیگر اعیاد حکیم عمر خیام تاریخ نه تنها شاعر نیست، حکیم است، طبیب است، آقاری است، ادیب است هم در ریاضی و نجوم تبحر دارد هم در ادب و قرآن بهره مند است. در جبر و مقابله تحقیقات تازه می کند، در طب و نجوم ملاحظاتی مهمی دارد. در دستگاه سلطان مغرب و محترم است. البته شاهزاده سلجوقی را معالجه می کند، مأمور رصد می شود، تقویم را اصلاح می کند، در باره وزن مخصوص طلا و نقره

مختراتی که بعد از او

مختراتی که بعد از او

در بند یکم هات ۲۸ می خوانیم: ... دوستانهای پر افراشته و خواهان شامی و صوفیاتی ... خواستهای نامی و صوفیاتی و زهدی یکی از اندیشه های بزرگ زرتشت در سر آغاز گاتها است. با هر ارزش این گفته زرتشتی زمانی به مردمی دریافته می شود که آنرا در کنار باورها و اندیشه های جبر و هستی آنها را با سنجش و هم نته یکی چند از باورهای صوفیانه - کمدنفتی) را می آرد.

... خیاب بنی الاثر در روز مرگ به حسب مالی که بر وی گرد آمده بود گویه می کرد: «ربعی بن حبیب را می گویند قالیچی بود داد از مداوا اجتناب کرد و گفت: نه بیماری می ماند نه طبیب» - عطاء سلمی از غلبه خوف راحت و آرام نداشت و شب بیدار می بود و گریست، می گویند هر وقت باغی عام عابد می آمد می گریست و می گفت این شومی عطا است. اگر عطا بمیرد مردم خاص می شوند. گنبد سوسندگن (بشر حارت) که چرا گشتن در راهی تنگتی: گفت «قالی می گویند زمین را بساط شما گردانیدم، بر بساط پادشاهان باد بسود با بسود با گشتن رفتن.»

و دو نکته ازمنطق الطیر عطار:

داد از خود پیر تر کستان خیر

گفت من خود دارم دوست تر

آن یکی است ابلق گامزن

و آن دل خود نیز جز فرزند من

گر خیر بایم و مرگ این پسر

اسب می بخشم به لشکر زین خیر

زان که بی نیم که هست این مر دو چیز

چون بود در دیده جانم غم

شیر خرفانی که عرش ابواش بود

روزگار ز شوق بداندجانش بود.

نمازش از چشمش آورد شور

تباداش نیم بداندجان به زور

چون بخورد آن نیم بداندجان که بود

سر زفرزندش جدا کرد ز دود

چون در آمد بسد سر آن پاکزاد

مدبری بر آستان او نهاد

شکست گمانی من آشفته کار

کفته ما پیش شما باری هزار

کاین گداگر نیم بداندجان خورد

پایان

پایان

پایان

پایان

پایان

پایان

پایان

پایان

پایان

پایان

پایان

پایان

پایان

پایان

پایان

پایان

پایان

پایان

پایان

پایان

پایان

پایان



**با هم بخندیم**

وقتی می گویم ما همه کارمان انتهای خنده است باور نمی کنید ، در خبرها آمده بود : « انجمن های نصرت آباد و نرسی آباد برای ساخت تالار با کمیبود بودجه مواجه هستند . » نماینده هم گفته بود : « بناهای وقتی در اختیار انجمن های محلی قرار می گیرد . آخه بابا چون آگه این انجمن های محلی که برای ساختن سالن خودشان هم پول ندارند ، مجبور شوند هزینه نگهداری این بناهای وقتی را هم بپردازند که آدم یاد کارهای ملا نصرالدین می افتد ! به خدا قسم این بناهای وقتی بالکنگ و بولدوزر راحت تر خراب می شوند . می گویند نه از رئیس کمیسیون موقوفات بپرسید !

**فضایی**

اصولا در جامعه ما کارهای فضایی و تخیلی طرفدار بسیاری دارد . سازمان زنان از انجمن درخواست کرد تا فضای بیشتری را در اختیارشان قرار دهد . جنبش زنان فضایی از این اقدام سازمان زنان حمایت کرد.هم اکنون برسر این موضوع که سازمان زنان ، مادر کانون است یا نه بین آگاهان اختلاف وجود دارد . در این حال کانون اعلام کرد حاضر است به سازمان زنان به چشم «مادری» نگاه کند .

**زندگی به سبک کنکاش**

اگر در نشست های این روزهای کنکاش که به بررسی احوال شخصیه اختصاص دارد ، شرکت کنید می توانید به راحتی و بدون هزینه به خواستگاری بروید بعد نامزد کنید ، بعد با هزار تا هایپو و شاپیرو ازدواج کنید بعد از مدت کوتاهی به علت عدم تقاضا یا چون گاووی همسرتان و یا نا فرمانی او طلاق بگیرید . بعد هم وصیت کنید و سر عزیزتان را بگذرانید زمین و به سوی دیار باقی بشتابید و از آن دنیا شاهد زدو خورد وارتاثتان باشد . البته فرزندخواندگی و پل گذاری پاتان نرود !

**بابا تخصص ا**

ما اصلا متخصص تغییر کاربری افراد ومکان ها هستیم . مثلا در تالار چند منظوره که باید برای برگزاری نشست ها استفاده شود ، آتش روشن می کنیم و به آن می گوئیم آتشکده . پس زیاد عجیب نیست اگر که «ععاونت» یک انجمن تغییر کاربری داده و ... !

**پروانه درد ا**

پروانه گرایی در جامعه ما بیاد می کند . در مانگا یگانگی که نه خودش پروانه دارد نه مسوولش تبدیل به معضل جامعه شده است آن هم به خاطر پروانه گرایی . چون تا مسوول جدید پروانه نگردد نمی تواند درد در مانگا شود و اگر پروانه بگیرد ، مسوول قبلی را چه کنیم ؟ من تا زگی هم فهمیده ام که « پروانه در مانگا یگانگی درد می کند !

**در یزد خبری نیست ا**

از یزد خبر نمی رسد . چون اصولا در یزد اتفاقی نمی افتد که خبر آن به ما برسد . مردم یزد انقدر همدیگر را دوست دارند که اصلا خوششان نمی آید به هم چپ نگاه کنند . به همین خاطر چشم دیدن همدیگر را ندارند . در اینجا لازم است از انجمن یزد ، انجمن آبادی های دور و پر یزد و فرمانداری و استانداری و کلیه مقامات مسئول و غیر مسئول به خاطر به وجود آوردن این محیط کمال سیاستگزاری را داشته باشیم !

**انتخابات میان دوره ای ا**

انتخابات میان دوره ای انجمن تهران به علت استعفا میان دوره ای بعضی از هموندان آن انجام می شود . از گوشه و کنار خبر می رسد چند تن از این هموندان مستعفی برای آنکه میشت محکمی به دهان خود بزنند ، قصد دارند مجددا کاندید شوند که البته طبق معمول انتخاب و تایید هم می شوند . پس منتظر خالی بندی های جدید باشید !

**فولدر**

باد آمد و سرما توگویی خزان است  
ابر آمد و باران پس از آن سیل روان است  
ریزد به زمین برگ درختان و ببلبل  
رفته به دیاری که هواش چون بهار است  
هر جا نگرى شاهد آنی که زن و مرد  
یک در صف شیر و دیگری در صف نان است  
در شهر شلوغ و دودکی چون تهران  
هر کس دوسه روز اسیر راه بندان است  
باشد همه چیز گران و نادر لیکن  
دود اتوبوس واحدش ارزان است  
با خوردن ماهی نشود مشکل ما حل  
چون قیمت آن بی شک و تردید گران است  
قانع شوم از هر چه کند سیر شکم را  
لطفه پنبری به از آن جوجه کباب (۱) است  
در عین گرفتاری و سختی که داری  
چند لحظه بخوانی تو امرداد تو آب است  
۱- به علت تنگ آمدن قافیه ، آن را عوض می کنم !  
اردبک



به دنبال پروانه در مانگا؟

این بار به معرفی یک سایت جدید و پر طرفدار می پردازیم ، ضمن آنکه با طراح آن نیز گفت و گویی خواهیم داشت . این سایت توسط دولت خانم کنکاش راه اندازی شده است . شما روی این سایت هرگونه اطلاعاتی را که در مورد همکیشان بخواهید می توانید پیدا کنید . البته پس از مدتی کار کردن و بدست آوردن مهارت لازم می توانید اخبار و اطلاعات مذکور را با حذف حواشی از چهل کلاغ بودن به یک کلاغ تبدیل کرده و اصل آن را دریابید .

مهمترین اطلاعات این سایت مربوط به پله برون ها و نامزدی ها ، دعواها و مشاجرات خانوادگی ، چهیزیه نوعروسان و ... است . در صفحه اصلی این وب شما بخش مورد نظر و سپس شهر مورد نظر را انتخاب کرده و اطلاعات ظاهر می شوند . اطلاعات این پایگاه از یک سال قبل تا امروز و بعضا مربوط به اتفاقات آینده نیز می باشد . مثلا فلانی و بهمانی یا هم ازدواج خواهند کرد چون توی مار کار با هم حرف می زنند یا در جشن تیرگان روی هم آب ریختند و یا اینکه پدرانشان وقتی با اتومبیل از کنار هم می گذشتند برای یکدیگر بوق زدند .

نظر دولت خانم را که در این باره و راه اندازی این سایت جویا شدیم گفت : من از دوران نوجوانی و جوانی به این کار علاقه داشتم و آن را از مادرم یاد گرفتم . در آن زمان از طریق پر کردن صفحات سی و سه دور گرامفون این کار را انجام می دادم ولی آن آنه کسی در خانه اش گرامفون دارد و نه صفحه گوش می دهد و همه اطلاعات را از طریق اینترنت ( منظور دولت خانم اینترنت است ) بدست می آورند . من هم برای اینکه عقب نینفتم این سات ( منظور سایت است ) را راه اندازی کردم .

در پایان دولت خانم اضافه می کند که تمام خبرهای این پایگاه دست اول و درست است چون آنها را خودش از دیگران شنیده است و رو به رو می کند و می پرسد : تو ازدواج کرده ای ؟ در حالی که از جای بلند می شوم و از دولت خانم دور می شوم می خندم و به دروغ می گویم : بله ، صدای قطع نمی شود و هنوز ضعیف به گوش می رسد که چرا بچه نداری ؟

**خاله ریزه**

**این است وضعیت شتر گاو پلنگ**

من هر چه می گویم که این مملکت در و پیکر ندارد ، می گویند حرف نزن که برایت حرف در می آورند . آخر تا کی باید سکوت کرد ، فقط یک روز زندگی آسوپاس من را نگاه کنید می فهمید .

صبح اول صبح که از خواب پا می شوی برای امتحان ریاضی یک ساعت زودتر به مدرسه می روی . بعد هم به بدترین شکل ممکن امتحان می دهی ، زنگ بعدی هم که معلم نداری ، آسوپاس در میان حیاط مدرسه می گردی و بازی می کنی و به خاطر همین هم مصدوم می شوی ، بعد هم آسوپاس به خانه بر می گردی از شدت درد به مطب دکتر می روی و دوساعت و نیم تمام هم آسوپاس منتظر می مانی . با دفتر چه بیمه هست هزار تومان پیاده می شوی ! و دکتر هم به اصطلاح خودش یای مصدومت را آتل بندی می کند آن هم چه آتلی ! که نرسیده به خانه از پایت بیرون می آید ، در خیابان هم که او با شهای تحصیل کرده آسوپاس به خیابان هارخته اند و از اتوبوس هم خبری نیست آخر شب هم ساعت ۱۰ به خانه می آیی . اینجاست که می گویند : اینست وضعیت شتر گاو پلنگ

ندارند و نبینند و ندانند که بکدم از غم و غصه بخوانند چگونه از این غم را بگویم چگونه این گل عشق را ببویم که جز کلاشی و دوزو کلکها نباشد در چنین دنیا فلک را

**هر چیزی ، چه جوری خوبه؟**

سالن خسروی : تعمیرش خوبه  
کانون دانشجویان : جا تنگی ش خوبه  
سرویس مدارس : شلوغی ش خوبه  
کتابخانه یگانگی : خلوتی ش خوبه  
آتشکده : جدیدش خوبه  
بالماسکه : انجمنی ش خوبه  
چکچک : بی مزگی ش خوبه

خاله ریزه



تا نخوانی این ستون سرنوشت در نیایی فرق بین خوب و زشت گر که نیکو سیرتی یا بد سرنوشت سرنوشت تو در اینجا شد نوشت

خدا را شکر که بغ بغ نغو روزی است که پیدایش نیست بعضی ها میگویند که رفته مسافرت . از یکی دو نفر شنیدم که گوشت اوده خورده و پدرنش بیمارستان ، شاید هم خدا بخواد حکم اعدااش را صادر کردند و تو نوبت اعدا مه . خدا رو چه دیدی شاید هم آمریکایی یا مثل آدم هایی که تو پاکستان می دزدند و می برند دزدیدند و ببرند ! ولی نه این آدم بی عرضه رو می خوان چیکار . خودشون کم از این آدم ها دارند که بخوان بغ بغ را بزدند ؟ مگه قراره زیره به گرمون ببرند ؟ شاید هم لباس شخصیه تو این چند روزه دخلشو آوردند .

حالا که بغ بغ نیست ما که جبر جبرک باشیم می توینم حرفها مونو بزیم و ترسی نداشته باشیم که سرمون داد بزنه . ولی خودمونیم نوشتن خیلی سخته . از کجا شروع کنیم ؟

به سوزن به خودمون می زنی و از امرداد شروع می کنی . این بچه های امرداد مثل بچه مکتبی های قدیم ساده ترین کلمه را غلط می نویسند و بعد خودشون گول می زنند و میگویند غلط گیر و ویرایش و چه می دونم از این حرفها نشده این هم از این حرفهاست . میگویند سوادشون نم کشیده !

آخه ما آدمها اینجوری هستیم . همیشه گناه را به گردن دیگران می اندازیم و اگر کسی گیرمون نیاد به گردن شیطان میندازیم و اگر از ما انتقاد کنند به جای این که ببینیم طرف چی میگه رگ گردنمون را سیخ می کنیم و هزار جور وصله بهش می چسبونیم و به جای گفتنمان ، کوفتمان می کنیم .

اگر با کسی حرفی بزنی و طرف استدلال نداشته باشد داد مینده و یقه تو می گریه . می گید نه ؟ خوب نگاه کنید ببینید اطراف خودتون چند نفر از این آدم ها هستند . و اما از مسئولین جامعه خودمون بگم .

شاخ شمشاد با عصیانیت اومد تو در سام زد که این وقت شب اینچا چه می کنی ؟ پاشو برو تعطیل .

چون می خواستم چیز هایی که نوشته بودم بردارم ، گفت : نه این ها مربوط به امرداد است و باید اینجا بمونه شما نمی تویند ببرید بیرون .

ای بخشگی شانس هر چه رشته بودیم پنبه شد . کاریش هم نمیشه کرد . با شدیم و رفتیم .

شاخ شمشاد

**بافتنی سابق**



**بابا تر تر**

ای خوشا در هفته نامه بخش طنزی داشتن واندر آن از شیر مرغ و جان آدم کاشتن گفتن پندار و گفتار و همی کردار نیک لیک در وقت عمل آن را شعار انگاشتن دشمنی و کینه هر انجمن بانجمن هر کسی بر دیگری دید حسودی داشتن گفتن از املاک همکیشان که رفت از دستشان این همه بی خاصیت ، صد انجمنها داشتن ای خوشا بهر جوانان سازمائی داشتن واندر آن هر گر جوانی پای خود نگذاشتن بهر ورزش یک زمینی در گذشته داشتن نام آن را هم زمین سازمان بگذاشتن ای خوشا فوتبال و بسکتبالها در این زمین هر جوان بس خاطرات از آن به خاطر داشتن دادن اختصار بنیاد از برای تخلیه تا سریعا کاسه کوزه زین مکان برداشتن گفتن این نکته که بنیاد بوده صاحبش چون برای آن زمین ایشان سند را داشتن

**انجمن در انجمن**

حکایت کنند در یک شب سرد پاییزی بچه انجمن اولیاء مدارس دانمارکی نمی توانست جلوی به دیدن انجمن پدر رفتند . در آنجا گله ها و گریه ها کردند . از سرویس بچه ها نالیدند . از آب خوری بچه ها شکوه کردند . هی جای ودانمارکی خوردند و نالیدند . زمانی بغض انجمن و پدر هم بود ترکیب که معلوم شد بچه انجمن هم مشکل سرپایدار دارد . دلشاد و سیر و پر به خانه دیگر کسی جلودار حق حق گریه انجمن پدر نبود . بچه انجمن مشکی برای همدردی یا پدر به خاطر مکان سرد تشکیل جلسات انجمن پدر زد زیر گریه . دیگر

همه حقایق را نباید همیشه بیان کرد  
توماس فولر  
All truth is not always be told.  
Thomas Fuller  
داداش جیمی

# سه پاسخ بر نوشتار « به کجا چنین شتابان! »

- ۱- مهرداد آبادیان
- ۲- مهرداد قدر دان
- ۳- رستم زره پوش

## مهرداد قدر دان

هفته نامه وزین و پر ارج امرداد با آرزوی بهروزی و پیروزی برای دست‌اندر کاران ارجمند نامه‌مشرقی که در زری می‌آید پاسخ یا نقد دره نامه آقای نیما همتن است که در دوره جدید شماره ۱۶ (مسلسل ۵۶) گاه ۸۱.۸۲۱ درج شده بود، چون در نامه فوق، ذکری از جام سده و عدم لزوم برگزاری آن به میان آمده بود به عنوان یکی از دست‌اندر کاران برگزاری جام سده وظیفه خود می‌دانم پاسخی بر آن داشته باشم؛

تاکر خاخر رخت جان من هر چند که نیست تقد روان را بر تو مقداری  
 «حافظ»  
 بیان درد دل جوان بسیار پسندیده است و طرح آن شاید درمانی را نیز به همراه داشته باشد ولی برای بیان آن راه و رسمی وجود دارد، هنگامی که یک دردنامه قرار است بیان شود باید به تمام جوانب و آثار ثانوی آن اندیشید، آقای نیما همتن بسیار یک سوبه و حق مدارانه خوشبین خویش را بر مسند قضاوت نشانده و چیزی را که با ذائقه ایشان سازگاری داشته و با کوچکتزین سازگاری با طرز تفکرشان داشته گاهی با عنوان حمایت از جام سده و کوبیدن ارگان اجتماعی، گاهی به حمایت از یک ارگان و کوبیدن شری از جامعه، گاهی به حمایت از یک جام ورد کردن دیگر جام‌ها و گاهی هم کامل جامه را مورد بی‌مهری قرار داده اند. زمانی به حمایت از به اصطلاح خودشان لیک به سرهای و روستایی که محتاج نان شب هستند، پرداخته اند و لختی بعد همان‌ها را مورد هدف قرار داده اند، که ایند ستایان فروزوند و دین‌شکنان امروزی...  
 با خواندن دردنامه ایشان پرسش‌های مهمی ذهن را به خجلان و می‌دارد، آیا همه این گونه اند که ایشان ذکر می‌کنند؟ آیا همه ارگان‌های اجتماعی عمده از

**اشاره:** دو شماره قبل نامی به بدستمان رسید با نام «به کجا چنین شتابان» مثل همه نامه‌ها این را هم خواندم، اما لحن نامه، جو دیگری بود؟ با یک بار خواندن نمی‌شد درمورد آن قضاوت کرد، نامه را چندین بار خواندم و در قضاوت ماندی اما این نامی است که از روی احساس نگاشته شده یا از روی درد، آیا اینها واقعیت‌های طرف جامعه ماست که ما چشم را بر روی آنها می‌بندیم. با این دلیل که باید نیمه پر لیوان را دید یا نویسنده محترم نامه عینک بدبینی به چشم زده است و نیمه خالی لیوان را دیده است؟ نامه را به چاپ سردیم. تا شاهد عکس‌العمل و پاسخ‌های شما باشیم، تا شما را به قضاوت بخوایم؛ آن را به چاپ رساندمی تا از نگاه یک قاضی تیزبین به قضاوت در مورد جامعه مان بگذریم؛ تا آن را نقد کنیم تا اگر واقعیتی تلخ ولو در گوشه‌ی کوچک از این جامعه وجود دارد آن را ببینیم و با باری و همفکری بکدیگر در صدد حل آن بربییم.  
 آن گونه که انتظار داشتیم طی این مدت (پس از چاپ نامه تاکنون) نامه‌های مختلفی به دستمان رسید، که برخی از روی تند و عصبانیت نگاشته شده بود و برخی در صدد تقد نامه بر آمده بود که چند تن از این دیدگاه‌ها در نظراتان می‌گذرد.

مرکزی و شهرستانی بد و نا صواب عمل می‌کنند؟ آیا تمام جام‌ها و کارهای فرهنگی زیر سوال است؟ آیا هر دختر و پسری در بی‌ملاقات‌های لطیف هستند؟ آیا فرار مغزها و مخدنی جامعه کوچک ماست؟ آیا همه جوان‌ها در تمام دردهای ما در حال پاکبویی اند؟ آیا همه مردم دین فروش هستند و دین را از رویایی جلوه می‌دهند؟ آیا ایشان چشم به روی تمام واقعیت‌ها نبسته اند؟ آیا به واقع هیچ فعالیت مثبتی در جامعه ما در حال انجام نیست؟ آیا تمام مردم شریف زرتشتی از میان ما رخت بسته اند و به گذشته تعلق دارند؟ اگر با دیده باز و به قول اشو زرتشت با اندیشه روشن به جامعه بنگریم. در جواب فریادی از دل بر می‌آید که نه این چنین نیست. از ایشان که جام‌های ورزشی را مورد بی‌مهری قرار داده اند، چون به جام سده نیز گوش چشمی داشته اند و عدم برگزاری آن را بهتر دیده اند، می‌پرسم آیا هدف از برگزاری جام سده را می‌دانند و آیا برای یک بار در جام حضور داشته‌اند؟ آیا نتایج حاصل از برگزاری آن را لمس کرده اند که این چنین تیغ زبان بر کشیده و سوار بر اسب فصاحت به همه چیز می‌تازند، برادر به کجا این چنین شتابان؟  
 لختی اندیشه، لختی تفکر، لختی باز بینی نوشته، لختی مشورت، سپس اقدام.  
 جام فرهنگی، ورزشی سده جهت پر نمودن اوقات فراغت جوانان و حتی میانسالان جامعه زرتشتی شریاز، آمادگی جسمانی آنان، باوروی استعداد های ورزشی و به همراه آن افزایش سطح معلومات دینی، فرهنگی و ورزشی جامعه از طریق برگزاری مسابقات مختلف دین، فرهنگی، ورزشی با کمترین هزینه و با همت بلند جوانان جامعه در حال انجام است که هر سال نه تنها افت نمی‌کند و در حال افول نیست، که شاهد رشد و شکوفایی آن نیز هستیم.

## مهرداد آبادیان

نمی‌دانم چرا این بار قلم در صفحه روان نیست. جوانی دل‌باخته دین بهی با صداقت دیدگاهی تحت عنوان به کجا چنین شتابان؟! به نوشتار در می‌آورد که ضمن نکات سازنده دارای یک سو نگر و نا پختگی است. شگفتا امرداد بجای پیرایش و پخته کردن آن با اگر اندیسمان نامش را دادنامه می‌گذارد و به چاپ می‌رساند و من بر سر دوراهی که از چه نیستی نقد کنم؟ از نیما عزیز یا امرداد و چرا من که مسئول جامعه امرداد نوشتار را مورد توجه مدیران قرار داده و به آنها تجویز کرده. من سردبیر امرداد را مخاطب قرار می‌دهم و شما متخادب نقد مرا ندیده بگیرید یا به نیما عزیز انتقال دهید یا به چاپ برسانید.

۱. نیما عزیز بی انصافی است این جماعت منم شنود که فقط برای خوشگذرانی و رقص و پایکوبی جمع می‌شوند. من به عنوان یک هموند کوچک از شما دعوت می‌کنم به کنکاش یگانگی بیابید، سخن بگوئید و سخن بشنوید. نوشتار داشته باشید خسرو دستناتی از شما بشنویم یا خرد کرد. و کنکاش با همه ناهنجاریهای پارهمیشگی شما خواهد شد.

۲. نگوئید این جامعه که در میان هفتاد و دو ملت به نیکی مشهور است کمتر کلمه صواب می‌گویند. به نظر من یکی از موهبتهای ایزد یکتا به پدیدان چیز شاهراهی انهامست. همین بنیاد جمشید از خیر تولد یافت. روزهای ویراهم از روزهای ایزد می‌گذرد، دخل‌های خیر آن سرزیم می‌شود، مجله فروهر را ورق بزیند و نام دهشندان را بخوانید و این تمام قضیه نیست خیلی از دهشندان اصرار دارند نامشان قاش نشود.

مشکل جامعه ما مدیریت در صرف این سرمایه‌هاست که نقطه لادفی و همفکری من وشماست. زن پارسا و دردهندی می‌گفت به نامگانه کسی هر ماهه مقداری به دانشجویمان کم ضاعت کمک می‌کند. حتی حاضر نیستند خودشان بیابند و بگیرند و احوال مرا ببرسانند یاد اول هر ماه دو ساعت در بانک بایستجو پول به حسابشان واریز کنم.

۳. مرتبا تاکید دارید جوانان جمع می‌شوند و دیدار می‌کنند. با نیش قلم و زینا رویان و خوش تنبیها را در مایاها های لطیف منم می‌کنید! فرزند نمی‌توان غریزه نام جنس بودن جوانان را کشت. یا در عصر ارتباطات جوانان زرتشتی را به رسم قلعه الموت اداره کرد یا درردون پرسشگاهها محبوس نمود تا به زور گاتها و اوستا بخوانند!

۴. می‌دانید در اروپا که در آن رقص و پایکوبی لذت شغلی هر شب جوانان است بکنشده جای کلیساهای سوزن انداختن نشین و گفتفا در پنگه دنیا که به زبان امروزی ما آنرا نهایت فساد می‌دانند، تعداد کلیساهای اروپا از آن اروپا بیشتر است. این شعار نیست آمار است. بعلاوه من از آن اروپا زندگی و تحصیل کرده ام. حوادث روزنامه به خصوص پاورقی تیش را در روزهای چهارشنبه بخوانید. ناهنجاریهای جامعه جوانان فراری و پارتی‌های خصوصی، مراکز فساد.

حال اگر مدیران جامعه ایزد دیدار سالم این عزیزان را فراهم کنند، چه عیبی دارد؟ دلواپس خرج اموال جمعی نباشید چون دو یا سه برابر هزینه شرح جد جوانان یا خانواده آنها گرفته می‌شود و رایگان، زینت انمی نام منظور شما از زیبا رویان و خوش تیپ‌ها می‌گفت؟ بقول عارفان، زیبایی نعمت خداوند است و آن نظر شما خوش تیپ، لباس پوشیدن و آرایش است که این مسئله شخصی است و نمودار شخصیت هر فرداست و من شما در کنترل آن راهی نداریم کما اینکه در محیط بیرون کنترل می‌شود.

۴. تلخ ترین لبه تیز نوشتار شما به سوی ورزش است که به راستی دل مرا به درد آورد. ورزش را با خوش گذرانی مترادف کردید و زهرآگین تر از همه سرکوفت به اسکتب باز معروف. من ایشان را نمی‌شناسم حتی شما را نمی‌شناسم. ولی در آیین گلشنی جام جان باختگان حرکات موزونش همه را به وجد آورد و خدا کند با این نوشتار شما سال دیگر هم هنر نمایی کنید. این عادلانه نیست از پیروزی ورزشکاران بالندگی کنیم هر در شکست که از دید من در ورزش طبیعی است سرزنش کنیم و دلسرند نماییم.

شما از فراوانی نامهای ورزشی نگران نباشید چون این شعله خود جوش است و برخی به جاگاه عزیزان از دست رفته است و هزینه آن اموال عمومی نیست.

۵. با تکرار می‌کنم به آمار نا هنجاری‌ها توجه کنید. آیا می‌دانید ۷۰٪ دانش آموزان ایران به نوعی افسردگی دارند یا آمار معتادان را می‌دانید؟ شما حتما پیش از من به پاک تی و واشوئی روان باور دارید و درباره «زنیرو بود مرد را راستی» نوشته اشته اید و می‌دانید در سابه ورزش می‌توان تن را جلا داد. در مورد تعدد ورزشگاه‌ها این خیر تلخ را به شما بدهم که در کل جامعه ما زمین ورزشی استاندارد وجود ندارد و بزرگترین همایش ورزشی انجام جان باختگان که هزینه آن، مقدار کمی از انجم تهران و بقیه از سایر دهشندان (نه فقط خانواده جان باختگان) تامین می‌شود. در زمین‌های غیر استاندارد اسفاله مارکار که امروزه از نظر ایمنی و قابل مآثور بودن منسوخ است، انجام می‌گیرد.

شما دلواپس هستید که اگر آرایتی دیگر به تقلید ساخته شود و باور دارید آدریان بزرگ را به سبک کلیساهای غرب بسازیم! کاش می‌گفتید استگده‌ای باستانی را بازسازی کنیم.

۵. جشنگاه‌ها فقط برای رقص و پایکوبی نیست. به گزارش فرزانه «اوتوسا نورافروز» بالای نوشتار خود در امرداد توجه کنید، همایشی زینا، سالم، روح افزا، برای کار صواب، از جهت تمام دلواپسی شما.

در همین سال مراسم زینای انجوب با جشن‌های مذهبی دیگر بدون رقص و پایکوبی انجام می‌شود. من نگرانم که ما سالی استاندارد برای کارهای هنری و موسیقی نداریم و شما نگران باشید چرا کنگره جوانان در کرمان کار نشد؟ آیا جشنواره و تئاتر سه ساله از زرتشتیان به خاطر نپرداختن هزینه‌اش، برپاکنندگان آن را تا ناکام گذاشت و ادامه نیافت؟ یا مناسفانه فرار مغزها با یک اپیدی که کل جامعه ایران است که ناش از ناهنجاری‌های اجتماعی، بیکاری و... از دید من برای ما مازگرای، شاید رویاگرایی است که نمی‌دانم منظور شما از کم خردی و خودخواهی بعضی‌ها چیست؟

۷. برخی از نایخردان و دین ستیزان گناه ناروا به دین بی‌ی می‌زنند، من و شما با نوشتار خود نباید قلم خود را آلوده سازیم و آن را گسترش دهیم.

۸. در مورد خواندن گاتها باور داشته باشید سرود های اشو زرتشتی از مرز پدیدان فراتر رفته و جاودان خواهد ماند. من تا چند سال پیش فکر نمی‌کردم روزی در کلاسی گاتها یک استاد غیر زرتشتی آن را به شیوایی و به بی‌اموزی که چنین شد. فکر می‌کنم جا دارد من هم مثل نمایی عزیزان از نایخردان و آرزوی خوشبختی برای این جوان پندیمان شجاع و امیدوارم نوشتار بیشتری در امرداد از ایشان بخوانم.

## توضیح رستم زره پوش

می‌زند احساس من آنست که فروهر فرزندم میترا نیز در شادی آنان شریک است و به خاطر همین باور دینی، بیست سال است که پذیرای تمام سختی‌ها و هزینه‌ها و مشکلات برگزاری این جام هستم و تمام جوانان ورزشکار زرتشتی را مانند میترا می‌بینم و لذت می‌برم که به خواست و نیت آن روانشاد نام نموده‌ام (بی‌گمان احساسی دیگر برگزاری کنندگان جام‌ها نیز چنین است) اینگونه جام‌ها تا زمانی که جوانان از آن پشتیبانی می‌کنند، تیم می‌دهند، شرکت می‌نمایند خوشحال می‌شوند، باید مورد تایید همگان قرار گیرد، زیرا نه ورزشی بد است، نه اجتماع جوان در محیط سالم ورزشی بد است و نه تمرینات سخت ورزشی پیش از مسابقات می‌تواند بد باشد.

## اشتراک امرداد پاسخی است به نیاز جامعه زرتشتی

۱. ارسال نشریه برای درخواست‌هایی که پیش از پانزدهم هر ماه به بخش مشترکین برسد از اول ماه بعد آغاز می‌شود.  
 ۲. آدرس به صورت کامل و خوانا نوشته شود. قید شماره تلفن و کد پستی ده رقمی در بهتر رسیدن نشریه بسیار اهمیت دارد.

## هزینه‌های مشترک داخلی (یکساله):

پست‌عادی ۱۹۵۰۰ ریال پست سفارشی ۳۶۰۰۰ ریال

## هزینه‌های مشترک خارجی (یکساله):

آمریکا، استرالیا و آفریقا پست‌عادی ۲۰۰۰۰ ریال پست‌سفارشی ۱۰۰۰۰ ریال

کشورهای اروپا و آسیا، پست‌عادی ۹۰۰۰۰ ریال پست‌سفارشی ۱۵۰۰۰۰ ریال

## نام و نام خانوادگی:

شهرستان: \_\_\_\_\_ خیابان: \_\_\_\_\_ کوچه: \_\_\_\_\_ کدپستی ده رقمی: \_\_\_\_\_

شماره قفسه بانک: \_\_\_\_\_ تلفن: \_\_\_\_\_

## نوع پست:

عادی  سفارشی  در آمریکا می‌توانید معادل (۱۲۰۰۰ دلار آمریکا) را به حساب جاری شماره: ۵۸۷۳۱۱۲-۰۶ بانک آمریکا (Bank of America) تعیین‌اشتراک  معتمد اشتراک  اشتراک جدید  به نام جمشید کومبروی (Jamshid Keumars) واریز نمایم.

## می‌توانید بهای اشتراک را به حساب جاری ۸۷۸/۸ بانک ملت شعبه سازمان صنایع ملی (تهران) قابل واریز در کلیه شعب بانک ملت

در سراسر کشور به نام جمشید کومبروی واریز و اصل رسید را به همراه فرم اشتراک تکمیل شده به نشانی: تهران، خیابان کریمخان زند، خیابان خرده‌مسئله شمالی، کوچه ششم، پلاک دو، کد پستی: ۱۵۸۵۸۰ ارسال نمایید.

## اشتراک امرداد پاسخی است به نیاز جامعه زرتشتی

۱. ارسال نشریه برای درخواست‌هایی که پیش از پانزدهم هر ماه به بخش مشترکین برسد از اول ماه بعد آغاز می‌شود.  
 ۲. آدرس به صورت کامل و خوانا نوشته شود. قید شماره تلفن و کد پستی ده رقمی در بهتر رسیدن نشریه بسیار اهمیت دارد.

## هزینه‌های مشترک داخلی (یکساله):

پست‌عادی ۱۹۵۰۰ ریال پست سفارشی ۳۶۰۰۰ ریال

## هزینه‌های مشترک خارجی (یکساله):

آمریکا، استرالیا و آفریقا پست‌عادی ۲۰۰۰۰ ریال پست‌سفارشی ۱۰۰۰۰ ریال

کشورهای اروپا و آسیا، پست‌عادی ۹۰۰۰۰ ریال پست‌سفارشی ۱۵۰۰۰۰ ریال

## نام و نام خانوادگی:

شهرستان: \_\_\_\_\_ خیابان: \_\_\_\_\_ کوچه: \_\_\_\_\_ کدپستی ده رقمی: \_\_\_\_\_

## نوع پست:

عادی  سفارشی  در آمریکا می‌توانید معادل (۱۲۰۰۰ دلار آمریکا) را به حساب جاری شماره: ۵۸۷۳۱۱۲-۰۶ بانک آمریکا (Bank of America) تعیین‌اشتراک  معتمد اشتراک  اشتراک جدید  به نام جمشید کومبروی (Jamshid Keumars) واریز نمایم.

## می‌توانید بهای اشتراک را به حساب جاری ۸۷۸/۸ بانک ملت شعبه سازمان صنایع ملی (تهران) قابل واریز در کلیه شعب بانک ملت

در سراسر کشور به نام جمشید کومبروی واریز و اصل رسید را به همراه فرم اشتراک تکمیل شده به نشانی: تهران، خیابان کریمخان زند، خیابان خرده‌مسئله شمالی، کوچه ششم، پلاک دو، کد پستی: ۱۵۸۵۸۰ ارسال نمایید.

برای اشتراک با خرید امرداد هر تیران ویزد می‌توانید به یکی از نمایندگی‌های امرداد مراجعه کنید:

۱- تهران، میرزا کوچک خان، جنب آدریان، فروشگاه پاسپل‌گاد، آقای هرمزباز اختری، تلفن: ۰۲۱۰۲۰۹۰۰

۲- تهران، فروشگاه لوزام، التحیریه، مهرتن، میدان فرحشیز، آقای آقصر کشمیری، تلفن: ۸۰۲۲۴۵۰

۳- یزد، انقلاب، سیدسید، سینما فرهنگ، کافیشاپی بزرگراه، آقای فریروز زردانی، تلفن: ۰۵۲۸۱۲۰۴

۴- یزد، بلوار شهید صدوقی، ورودی تالار شهر، کافیشاپی کورش، برادران اخوی، یوتلفن: ۰۲۲۰۱۵۱

